

دوره نهم تقنیه

جلسه ۶۲

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبلی در دستور)

۱۵ بهمن ماه ۱۳۱۲ - ۱۹ شوال ۱۳۵۲

شماره مسلسل : ۶۰۹

قیمت اشتراك { سالانه : ۱۰۰۰ ریال  
داخه : ۷۵۰ ریال  
خارجه : ۱۰۰۰ ریال  
تک شماره : دو ریال

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۱۲ (۱۹ شوال ۱۳۵۲)

## فهرست مذاکرات

- ۱ ( تصویب صورت مجلس )
- ۲ ( تقدیم لایحه تفریح بودجه ۱۳۱۱ مجلس و ارجاع آن بکمیسیون محاسبات )
- ۳ ( تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر پست و تلگراف )
- ۴ ( شور اول لایحه قانون محاسبات عمومی )
- ۵ ( موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه )

( مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل گردید )

صورت مجلس روز یکشنبه ۸ بهمن ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند

باب تذکر عرض میکنم که در ۱۹۲۸ میلادی در وقتی که کنفرانس بین المللی در بروکسل تشکیل شده بود در همان موقع قرار شد که کنفرانس دیگری در مادرید بعد از پنج سال تشکیل بشود و مقررات موجوده راجع به تلگراف باسیم و بیسیم و تلفون آنچه مذاکره شود در تحت قرار داد واحدی بیرون بیاید دولت شاهنشاهی ایران هم در آنجا نماینده داشته است و بعد از مذاکراتی که در آنجا شده است يك قرار دادی متعقد شده است به اسم قرار داد بین المللی ارتباطات بهیله تله کونیکاسیون مشتمل بر چهل ماده است لایحه قانونی برای آن تهیه شده و به مجلس تقدیم میکنم که بتصویب مجلس شورای ملی برسد.

### ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ( گفته شد - خیر ) صورت مجلس تصویب شد

۲ - تقدیم لایحه تفریح بودجه ۱۳۱۱ مجلس و ارجاع آن بکمیسیون محاسبات

رئیس - از طرف اداره مباشرت لایحه تفریح بودجه سال ۱۳۱۱ شمسی تنظیم و فرستاده شده است بکمیسیون محاسبات مجلس فرستاده میشود - آقای وزیر پست و تلگراف

۳ - تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف ( آقای دولتشاهی ) - خاطر محترم آقایان نمایندگان مستحضر است البته بده هم من

این مذاکرات مشروح شصت و دومین جلسه از دوره نهم تقویمیه ( مطابق قانون ۴ آذر ۱۳۰۰ )

دايره تدوین و تحریر صورت مجلس

غالبین غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غالبین بی اجازه - آقایان : جاع میرزا حسینخان قاضی - رهنما - نیازی - جلوی سبزواری - عمارسی - وکیل روس آقایان زاهد - کورس - کازرونی .

۴- شور اول لایحه قانون محاسبات عمومی

رئیس - لایحه محاسبات عمومی مطرح است - مذاکره در کلیات است مخالفی نیست. آقایان بیکه بود در شور مراد موافقت دارند قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد ماده اول فرائت میشود:

ماده اول - بودجه لایحه پیش بینی کابینه عواید و مخارج مملکتی است برای مدت یکسال شمسی ( سنه مالی ) که بتصویب مجلس شورای ملی با مقامات مجاز از طرف مجلس رسیده باشد

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - ظاهراً مقصود از مقامات مجاز از طرف مجلس کمیسیون بودجه باشد بدیهی است این مسئله تصویب بودجه از تکالیف بالاصاله مجلس شورای ملی است پس وقتی بودجه تقدیم مجلس میشود باید حق مجلس بودجه را فصل فصل ماده بماده مطرح کنند و تصویب کنند ولی در سنوای سابق چون بودجهها دیر میامد بمجلس و برای سال بعد نمیرسید این بود که يك دوازدهم تصویب میشد تا بعد بودجه یا در خود مجلس یا در کمیسیون بودجه تصویب میشد اخیراً يك تریب دیگری شد که مجلس شورای ملی اجازه داد بکمیسیون بودجه که کاپیه بودجهها را مفصلاً مطرح بگردند و تصویب میشد حالا اگر مقصود از این لفظ مقامات مجاز از طرف مجلس کمیسیون بودجه است این عبارت بنظر بنده صحیح نیست که اینطور نوشته شود بودجه مملکتی یا باید بتصویب مجلس برسد فصل فصل ماده بماده یا اینکه مجلس اجازه بدهد فقط بکمیسیون بودجه که قانونی باشد این است که بنظر بنده کمیسیون بودجه نوشته شود بهتر است

ولیر عالیله - البته همانطوریکه نماینده محترم فرمودند یکی از مقامات مجاز از طرف مجلس و در درجه اول کمیسیون بودجه است ولی معذراً بعضی بودجههاست که با اجازه مجلس و بحکم قانون يك مقام دیگر هم صلاحیت دارد در آنها رسیدگی کنند و آن بودجه طرفی است در

این بدیهی است که عوائد دولت را تشخیص باید جمع آوری کنند که از طرف وزارت مالیه مأمور باشند اشخاص دیگر هم حق ندارند قانوناً و ممکن هم نیست کسی تصور کند که يك شخص دیگری قانوناً میتواند عوائد دولت را جمع کند اینهم مثل همان است لزومی ندارد و مربوط بنظامنامه است

مخبر ( آقای ناصری ) - این اصلی است که در قانون سابق محاسبات عمومی درج بود بهمین جهت تکرار شده است البته مأمورین وصول عایدات مأمورینی هستند که وزارت مالیه معین میکنند اینکه نوشته اشخاص دیگر چون هنوز بعضی مالیاتهای داریم که بوسیله اجاره وصول میشود مثل مالیات فبايج فرض کنید در همدان فبايج بزیاده گذارده میشود اشخاصی که متصدی هستند وصول میکنند این هنوز باقی است در این موارد البته اشخاصی هستند که وزارت مالیه بآنها اجازه میدهد که وصول کنند

رئیس - ماده چهارم فرائت میشود

ماده چهارم - جز مالیاتهای مقرر بموجب قانون اخذ هرگونه مالیات دیگر بر اسم و رسم که باشد ممنوع است عملیکه امر باخذ مالیاتهای غیر قانونی بدهند و اشخاصی که فهرست و تعرفه و اسناد آنرا تهیه نمایند و کسائیکه متصدی وصول آن بشوند مشمول مقررات ماده صد و پنجاه و چهار قانون مجازات عمومی خواهند بود

رئیس - پیشنهادی از آقای ممدل در این خصوص رسیده فرائت میشود

پیشنهاد آقای ممدل

در ماده چهار اصلاح ذیل را پیشنهاد میشویم بعد از مالیات در - طر دوم کلمه عوارض اضافه شود.

رئیس - ماده پنج فرائت میشود

ماده پنجم - هیچگونه مخارج مملکتی تأدیبه نخواهد شد مگر بموجب جوازیکه صحت خرج در آن تصدیق و در حدود اعتبار قانونی صادر شده باشد.

بصره - مراد از اعتبار و حوهی است که قبلاً برای خرج معینی پیش بینی و تصویب مقامات قانونی رسیده باشد رئیس - اشکالی نیست ( خیر ) ماده شش فرائت میشود: ماده ششم - اعتباری که برای مخارج يك سنه مالی معین شده است نباید بمصرف مخارج سنه مالی دیگر برسد. رئیس - ماده هفت فرائت میشود.

ماده هفتم - اعتباراتی را که در مواد بودجه قانون معین شده از يك ماده بماده دیگر نمیتوان انتقال داد رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده عقیده ام این است که باید نوشته شود مگر با تصویب مجلس چون گاهی دولت در وسط سال محتاج میشود برای اینکه از يك ماده به ماده دیگر انتقال بدهد و از مجلس هم اجازه میخواهد اگر بتوسیم که نمیتواند مگر با اجازه مجلس بهتر است

مخبر - محتاج نیست

وزیر عالیله - با سوابقی که نماینده محترم دربارلمان و قانون گذاری دارند تعجب میکنم که چرا این فرمایش را میکنند برای اینکه وقتی يك چیزی را منع میکنند یعنی تا آن وقتی که خلافتش ثابت نشده باشد ضرورت ندارد اگر يك روزی خواستند يك اعتبار جدیدی بگیرند می آورند بمجلس وقتی هم که مجلس رأی داد تصویب کرده است دیگر اصل این است یعنی وزارتخانهها نمیتوانند بکنند ولی اگر مجلس بکند که اهمیت ندارد

رئیس - ماده هشتم فرائت میشود.

ماده هشتم - هرگاه علاوه بر مخارج مالیات مملکتی که اعتبارات لازمه در بودجه برای آنها منظور شده است در عرض سال خرج فوق العاده پیش آید و یا اعتبار منظور کماقو خرجی را نمایند ممکن است لایحه مخصوصی جهت تحصیل اعتبار جدید بمجلس شورای ملی پیشنهاد کرد رئیس - اشکالی ندارد ( خیر ) ماده نهم فرائت میشود ماده نهم - اعتبارات جدید بر دو قسم است: فوق العاده و اضافی

و اضافی

اعتبارات فوق العاده اعتباراتی است که برای احتیاجات جدید لازم میشود.

اعتبارات اضافی اعتباراتی است که برای تکمیل اعتبارات پیش بینی شده در بودجه لازم میگردد.

**رئیس** - اشکالی نیست (خیر) ماده دهم قرائت میشود ماده دهم - قانونی که اعتبارات فوق العاده و اضافی را معین میکند باید عمل مخارج آنرا از منابع مخصوص تعیین نماید **رئیس** - اشکالی نیست (خیر) ماده یازدهم قرائت میشود ماده یازدهم - در موقع تعطیل مجلس شورای ملی که موافق اصل هشتم قانون اساسی معین میشود اعتبارات اضافی ربا فوق العاده موقوف به تصویب هیئت وزراء و قیود دیوان محاسبات است.

در ظرف ماه اول افتتاح مجلس شورای ملی اعتبارات مزبور باید بمجلس پیشنهاد شود.

**رئیس** - آقای دکتر طاهری

**دکتر طاهری** - بنده معتمد در ماده یازدهم در موقع تعطیل مجلس آن اعتبار اضافی یا فوق العاده را که هیئت وزراء تصویب بکند یعنی لازم بدانند همان کافی است زیرا دیوان محاسبات وظیفه اش رسیدگی بحسابها است دیگر تشریح در اینکه فلان اعتبار لازم هست یا نیست لزوم ندارد این نظر هیئت دولت است اگر مجلس باشد هیئت دولت پیشنهاد بمجلس میکند و اگر مجلس نباشد خود هیئت دولت که آن اعتبار را لازم دانست بمصرف میرساند بعد که مجلس تشکیل شد بمجلس پیشنهاد میکند قیود دیوان محاسبات بعقیده بنده لزومی ندارد دیوان محاسبات برای رسیدگی بحسابها است.

**وزیر مالیه** - در قانون سابق یعنی قانونی که هنوز قنونیّت ندارد (بجهت اینکه هنوز این قانون نگذشته است) در آنجا پیش بینی کرده بودند دیوان محاسبات و شورای دولتی یعنی در موقع تعطیل مجلس اگر احتیاجی پیدا بشود باید علاوه بر هیئت دولت هم شورای دولتی و هم دیوان محاسبات دخالت بکنند بنده دیدم که شورای دولتی که

موضوع ندارد فقط دیوان محاسبات است و البته هیچ مانعی ندارد فرض کنید هیئت دولت لازم دانست دیگر محتاج نباشد به يك مقامات دیگر البته اینها بحث احتیاطاتی است از نقطه نظر اصولی که وقتی مجلس تعطیل است اگر اعتبار اضافی خواستند تنها آن قوه که خودش خرج میکند او نباشد که بگوید لازم است يك جای دیگری هم باشد که بودجه را نگاه کند بنظر بنده هیچ ضرری ندارد با این حال اگر میخواهید پیشنهادی بدهید در کمیسیون صحبت میشود.

**رئیس** - آقای معذل

**معذل** - در آخر این قسمت مینویسد باید بمجلس پیشنهاد بشود در حالیکه پیشنهاد قابل رد و قبول است يك خرجی که شده بنده نمی فهمم که اگر مجلس رد کرد چه حالی دارد بنده خیال میکنم منظور این است که بمجلس رایزرت بدهند و الا خرجی که کرده اند خوانتم سؤال کنم اگر بمجلس پیشنهاد کردند و رد شد چه حالی پیدا میکند.

**وزیر مالیه** - عرض کنم که مقصود این نیست فقط بمجلس رایزرت بدهند و الا این کار بسیار خطرناکی بود مقصود این است که تصویب برسد و این عمل از طرف هیئت دولت و کسانی که این خرج را میکنند خطرناک ترین کارها است برای اینکه فرض این را دارد که مجلس رد کنند و کردن آن اشخاصی که این خرج را کرده اند بگیرد مطالب این است (صحیح است) **رئیس** - ماده دوازدهم قرائت میشود.

تهیه و تصویب بودجه

ماده دوازدهم - در اوائل نیمه دوم هر سال وزیر مالیه باید عایدات مملکتی را از هر منبع برای سال بعد پیش بینی نموده و همچنین مخارجی را که برای وصول این عواید لازم است در نظر گرفته رقم هر دو را به هیئت وزراء تقدیم نماید.

**رئیس** - آقای دکتر طاهری

**دکتر طاهری** - برای تهیه بودجه همین طوریکه نوشته اند وزیر مالیه مکلف است عوائد پیش بینی شده را در نظر بگیرد و بعد آن عوائد را تقسیم کند برای مخارج مملکتی اینجا مینویسد که مخارج وصول را هم و هر دو رقم را به هیئت دولت پیشنهاد کند بعقیده بنده اگر مخارج مملکتی بود درست بود اما مخارج وصول مگر تفکیک میشود مخارج وصول از عواید مگر جدا است همان عوایدیکه تقسیم بوزارتخانهها می شود يك قسمتش خرج وصول است يك قسمتش برای سایر مصارف مملکتی پس این تعیین مخارج وصول که آنها پیشنهاد به هیئت دولت بکنند بعقیده بنده هیچ موضوع ندارد مخارج مملکتی نوشته شود کافی است.

**وزیر مالیه** - خود این موضوع در کمیسیون هم همینطور محل بحث و حتی تردید واقع شد بنده ناچار هستم حالا درست توضیح بدهم که هیچ تردیدی باقی نماند وقتی يك عوائدی پیش بینی میشود باید دید این عوائدیولی است که میشود بهر محلی خرج کرد بدون اینکه خرج وصولش را اول در نظر بگیریم هیچ عایداتی نیست که خرج وصول نداشته باشد اگر يك وزیر مالیه آمد گفت من يك عایداتی پیش بینی میکنم پنجاه میلیون شدت میلیون و صرف نظر میکنم از اینکه به بینیم خرج وصولش چقدر است تقسیم میکنیم بین وزارتخانه ها و بعد آن قسمت که برای وصولش باید خرج شود ارزش میکنیم تصدیق بفرمائید که عایدات پیش بینی شده وصول نمیشود. مخارج مملکتی دو قسم است یکقسمت مخارجی است که البته از نظر حوائج همه باید بشود ولی ربطی بوصول ندارد مثلاً امور سعی از امور خیلی ضروری است و خیلی هم باید آن توجه کرد و لکن مربوط بوصول نیست اما اداره ثبت اسناد اگر بنا باشد تشکیلش درست نباشد نمیتواند وصول کند یعنی عایداتی که پیش بینی

شده وصول نخواهد شد کمربند اگر بنا باشد تشکیلش کامل نباشد آن عایداتی را که پیش بینی کرده کسر خواهد شد فرض کنید من میگویم ده نقطه دیگر دفتر گمرک تشکیل بشود آنوقت پیش بینی میکنیم که این قدر عایدات هم اضافه خواهد شد اگر شما آن اضافه عایدات را در نظر بگیرید ولی مخارجی را که برای وصول او لازم است در نظر نگیرید آن عایدات البته وصول نخواهد شد این اصل را که رعایت میکنند اصل است که در همه جار رعایت میشود و باید هم رعایت بشود و بسیاری از قسمتهای کار مملکتی مفید و مؤثر است ولی در هر صورت از نظر وصول نیست بعضی قسمتهای دیگر هم هست که اگر نباشد اصلاً وصول نمیشود این نقطه نظر است که میگویند يك حد اقل خرجی برای وصول هست که آنرا باید در نظر بگیرند وزیر مالیه وقتی که اینقدر عایدات داشت باید بگویند اینقدر عایداتی که اینقدر مخارج وصولش است و نمیشود آنقدری را که برای وصول هست گرفت و خرج دیگر کرد محاکمات مالیه فرض کنید جزو وزارت مالیه است ولی نمیشود گفت برای وصول است محاکمات عدلیه نمیشود گفت برای وصول يك عوایدی است اما بطوریکه مثل زدم ثبت اسناد اداره عایدات مالیه مأمورین گمرک و بالاخره آن کسانی که کارشان مخصوصاً و در درجه اول برای وصول است اگر نباشد که نباشند عایداتشان پیش بینی نمیشود اگر نباشد نباشند عایداتشان وصول نمیشود و البته عایدات کسر خواهد شد وقتی شما میخواهید تقسیم کنید اول باید نگاه کنید که مخارج ضروری از برای وصول چقدر است آنرا کنار بگذارید بعد از آن بیایید بودجه بنویسید این ترتیبی است که در همه جا میکنند و حق هم همین است خیال میکنم آقایان موافقت بفرمایند که همین ترتیب باشد بهتر خواهد بود صرف نظر از اینکه این ترتیب الان هم در عمل رعایت خواهد شد و همیشه این را رعایت میکنند که يك دستگاه وصولی را از بین نبرند برای اینکه اگر از بین ببرند عایداتی نخواهد داشت.

رئیس - ماده سیزده قرائت میشود

ماده سیزدهم - هیئت وزراء با رعایت عایدات پیش بینی شده و مخارج وصول آنت مبالغی در حدود عایدات برای مخارج هر يك از وزارت خانه ها معین نموده و ارقام آنرا توسط وزارت مالیه به وزارتخانه ها ابلاغ خواهد نمود  
رئیس - اشکالی نیست ( خیر ) ماده چهارده قرائت میشود .

ماده چهارده - هر وزیر باید بودجه مخارج وزارتخانه خود را برای سنه آتی در حدود مبلغی که طبق ماده ۱۳ برای آن وزارتخانه تعیین شده است حاضر نموده منتهی تا آخر ماه تم سال بوزارت مالیه بدهد .

رئیس - ماده پانزده قرائت میشود

ماده پانزدهم - وزیر مالیه باید تمام این بودجه ها را در يك صورت تنظیم و بودجه عایدات را نیز بآنها ضمیمه کرده لایحه بودجه کل را تهیه نماید

رئیس - اشکالی نیست ماده شانزده قرائت میشود

ماده ۱۶ - لایحه بودجه کل در اول ماه دهم هر سال بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد

رئیس - آقای دیبا

**طباطبائی دیبا** - مفاد این ماده و چند ماده سابق در قانون سابق هم بود ولی متأسفانه در هیچ سالی مانند بدیدیم از طرف دولت عمل شده باشد یعنی در يك موقع معینی که قانون معین کرده است بودجه های مملکتی را تقدیم مجلس کنند غالباً بودجه يك وقتی می آید که آخر سال است وقت هم نیست آنوقت یا باید يك دوازدهم بگیرند در سال جدید یا باید چنانکه سابقاً هم معمول بود مجلس اختیار بدهد به کمیسیون بودجه در صورتیکه بنده عقیده ام این است چنانچه عرض کردم عمده وظیفه مجلس رسیدگی ببودجه مملکتی است ماده بماده فصل بفصل تشکیلات مملکتی حقیقتاً پایه اش همین بودجه است و این ترتیبی که تا بحال معمول بوده است که میرفته به کمیسیون بودجه این يك ترتیب زبته نبود و الا آقای وزیر مالیه فعلی

در همان باشد که برود بکمیسیون بودجه و در ضمن هم بهتر این است که حتی الامکان بودجه نزدیک آخر سال بیاید بجهت این که شما پیش بینی کار را که اخذ کار و عمل است بهتر میتوانید بکنید اگر عایدات را شما غلط حساب کنید مخارج هم آنوقت در زحمت خواهد بود . این پیش بینی هر قدر بسال بعد نزدیک باشد بهتر معین میشود وضعیت سال جاری بیشتر در دست اوست و بهتر میتوان تطبیق و پیش بینی کند . این کار يك مدتی وقت میخواهند تا ادارات مربوطه حساب کنند . دلایل اینکه کار بانقضانی را پیش بینی میکنند و همچنین سایر چیز ها را ممکن است شما نپذیرید . وزارتخانه ها که بودجه شان را روی احتیاجاتشان میدهند مدتی با مالیه کشمکش دارند . و همینطور قسمتهای مختلفی در کار است و این ها يك چیزهایی است که در ظاهر بنظر نمیرسد ولی در عمل هست الان بودجه های وزارتخانه ها قریب يك ماه در راه است در وزارت مالیه است . يك ارقامی را آمده اند اضافه کرده اند يك مخارجی را ضروری دانسته اند ادارات مربوطه وزارت مالیه با آنها مشغول صحبت هستند بعضی ها را موافقت کرده و بعضی ها را مشغول جرح و تعدیلند . اینها يك چیزهایی است که زمان میخواهد خوب اگر آمدم با همه این مقدمات و دقت ها که لازم است در کار شود در موقع نرسید چه باید کرد چاره نیست . يك قدری دیرتر خواهد رسید . دیگر اینکه عرض کردم یا باید دانش بزنند یا اینکه مقداری از حقوقش کسر کنند . ( خنده نمایندگان )

رئیس - ماده هفدهم قرائت میشود .

ماده هفدهم - مجلس شورای ملی لایحه بودجه کل را منتهی تا ۱۵ روز قبل از عید نوروز تصویب و پس از آن بودجه حکم قانون سالیانه مالیه را پیدا مینماید .

رئیس - اشکالی نیست . ماده هیجدهم .

ماده هیجدهم - بودجه مخارج با رعایت تقسیم وصول و مواد پیشنهاد مجلس شورای ملی خواهد شد

رئیس - ماده نوزدهم

ماده نوزدهم - بودجه هر وزارتخانه ماده بماده از طرف

مجلس شورای ملی تصویب میشود

رئیس - آقای دکتر طاهری

**دکتر طاهری** - عواید مملکتی که تقسیم میشود بعضیش مختص بهر وزارتخانه است و بعضیش جزو اعتبارات عمومی است که اختصاص بيك وزارتخانه ندارد چنانچه در همه بودجه هایی که تا بحال تصویب شده همینطور است که هر وزارتخانه يك اعتبار کلی دارد که مربوط به بیج وزارت خانه نیست و در همین قانون هم برای خرج آنت در ماده ۱۳ يك پیش بینی شده که وزارت مالیه را مکلف کرده است که خرج و اعتبارات عمومی را صورت داده ولی اینجا تکلیف مخارج را معین نکرده است که کجا مجلس باید این را تصویب کند . بودجه هر وزارتخانه را مجلس باید تصویب کند ولی آن مخارجات هم باید ببیند مجلس و مجلس تصویب کند یا نه ؛ جائی در این لایحه معین نشده است تمام عواید مملکتی باید بیاید در مجلس برخلاف سابق که يك قسمت همی عواید را در بودجه نمیآوردند بطوریکه آقای وزیر مالیه فرمودند محل تواند طرق و راه آهن ولی حالا طبق این قانون باید اینها هم بیاید در بودجه و خرجش بتصویب هیئت وزراء برسد ولی بودجه خرجش را هیچ جا نگنیم آنچه که مربوط بيك وزارتخانه نیست یعنی خرج مستمری بيك وزارتخانه نباشد و در اعتبارات عمومی باشد کجا تصویب میشود . خواستم این را توضیح بدهم یا در شور دوم پیش بینی کنند .

**مخبر** - همینطور که نماینده محترم فرمودند وزارتخانه ها بودجه های خودشان را تهیه می کنند بوزارت مالیه میفرستند وزارت مالیه بوجب مواد این قانون مکلف است که بودجه کل را تهیه کند ماده ۱۴ هم اشاره میکند . البته مخارج عمومی از برای اعتبارات دولت است و این مخارجی که آقای میفرمایند مربوط به بیجک از وزارتخانه ها بطور اختصاصی نیست و در بودجه کل میآید و این مسئله در ماده ۱۴ پیش بینی شده که چنین مخارجی وجود دارد

حالا اگر يك ماده مصرحی آقا در نظر دارند ممكن است مرفوم بفرمایند در موقع مذاکره نانی مراعات میشود.

رئیس - ماده بیستم قرائت میشود.

ماده ۲۰ - در لایحه بودجه مخارج پرستلی هر وزارتخانه از سایر مخارج باید تفکیک شده باشد

رئیس - ماده بیست و یکم

ماده ۲۱ - اعتبارات بر دو قسم است:

۱ - اعتبارات مربوطه بمخارج مستمر که برای جریان امور ادارات و مؤسسات دولتی در ظرف يك سته مالی لازم است از قبیل حقوق پرستلی لوازم التحریر سوخت و روشنایی و امثالهم.

۲ - اعتباراتی مربوطه بمخارج غیر مستمر که برای انجام عملی از قبیل خرید کارخانه یا بنای عمارت ساختمان کشتی و غیره لازم خواهد بود و زمان خرج آن محدود بحد معین نبوده و منوط بانجام عمل است اعتباراتی مستمر که در بودجه وزارتخانهها پیش بینی میشود فقط برای يك سته مالی قابل مصرف خواهد بود. ولی اعتباراتی غیر مستمر را ممكن است برای يكسال یا بیشتر پیش بینی نمود و رقم خرج آن ممكن است بالسویه یا هر ترتیبی که از نظر احتیاج لازم باشد در بودجه های سنوات مربوطه بدون اینکه تصویب آن در هر مرتبه لازم گردد پیش بینی شود.

رئیس - ماده بیست و دوم

ماده ۲۲ - وزارتخانهها در موقع پیش بینی اعتباری برای مخارج غیر مستمر باید برآورد قتی عملی را که خرج برای آن در نظر گرفته شده ببودجه پیشنهادی ضمیمه نمایند. برآورد مزبور باید با نهایت دقت بوسیله متخصص معتمدین با قیود مسؤلیت تهیه گردد و پس از آنکه اعتبار مزبور باین ترتیب بتصویب رسید وزارتخانهها مجاز نخواهند بود در طرح پیشنهادهای هیچگونه تغییری که مستلزم اضافه خرج باشد بدهند مگر اینکه قبل از وقت بموجب لایحه مخصوص اعتبار اضافی برای

وزراء مخصوصاً مجاز باین امر هستند مراد از تشخیص آن است که میزان بدهی دولت پس از رسیدگی بانسناد در برابر هر يك از دائین همین شود انسناد تشخیص قرض باید حاوی دلائل حقوقی دائین دولت بوده و ترتیبی که قواعد مخصوصه هر اداره همین میکنند نوشته شده باشد.

رئیس - ماده بیست و سوم.

ماده ۲۹ - حواله سندی است که بموجب آن دائن باید طلب تشخیص شده خود را دریافت نماید.

حواله وزراء بر دو قسم است (حواله مستقیم) و (حواله اعتباری) حواله مستقیم آنست که خود وزراء بلاواسطه در وجه يك یا چند طلبکار دولت صادر میکنند. حواله اعتباری سندی است که بموجب آن وزراء با شخصیکه حواله کنندگان درجه دوم نامیده میشوند از قبیل رؤسای ادارات یا مأمورین ولایات اجازه میدهند تا مبلغ معینی در حق طلبکار دولت حواله صادر نمایند. حوالجات حواله کنندگان درجه دوم را حوالجات ابلاغی می نامند.

رئیس - ماده سیام

ماده ۳۰ - هیچ خرج دولتی تأدیه نخواهد شد مگر اینکه قبلاً یکی از وزراء مستقیماً آنرا حواله کرده باشد یا اینکه حواله کنندگان درجه دوم بموجب حواله اعتباری وزراء حواله ابلاغی داده باشند.

رئیس - ماده سی و یکم

ماده ۳۱ - حوالجات وزراء باید قبل از پرداخت بر طبق ماده ۳۳ قانون دیوان محاسبات مصوب ۲۴ دی ۱۳۱۲ در دیوان مزبور ثبت و تسجیل شود.

رئیس - ماده سی و دوم

ماده ۳۲ - هر حواله مستقیم و هر حواله ابلاغی برای اینکه در یکی از صندوقهای دولتی وجه آن پرداخته شود باید مستند بانسنادی باشد که از آن انسناد بطور صحیح و واضح معلوم شود که وجه معینی بر عهده دولت بوده و پرداخت آن حواله ذمه دولت را کلاً یا جزاً از دین مزبور بری خواهد ساخت

بمهره - مخارجی که تهیه اسناد خرج مشینه آن قبل از پرداخت وجه بپس نخواهد کردید از قبیل خرج سفر و غیره ممکن است علی الحساب پرداخت و اسناد خرج آن پس از انجام عمل بدون فوت وقت مطالبه و تسویه گردد نوع این گونه مخارج بموجب نظامنامه مخصوص از طرف وزارت مالیه تعیین خواهد کردید.

رئیس - ماده سی و سوم

ماده ۳۳ - تعیین اسناد مذکور در ماده فوق بسته بقرارداد وزیر مالیه یا هر يك از وزراء است که نسبت بنوع شعبات امور اسناد لازمه را در يك فهرست معین میکنند با ملاحظه شرایط ذیل:

اولاً از بابت مخارج اجزاء از قبیل مواجب و مزد و حق الزحمه صورتی از اساسی آنها که مطالب ذیل را دارا باشد:

الف - رتبه یا شغل. ب - خدمتی که کرده است. ج - مدت خدمت. د - حقوقی که بموجب قوانین یا نظامنامه یا احکام برقرار است. ه - کسورانی که بموجب قانون یا نظامنامه یا احکام باید موضوع شود.

ثانیاً - از بابت مخارج اذنیه از قبیل خرید و اجاره اموال منقوله و غیر منقوله و خرید مواد ضروریه معیشت و مخارج بنائی و نگاهداری و مرمت عمارات و استحکامات نظامی (قلعه - برج و بارو) و طرق و شوارع و مخارج ساخت و مرمت و مواظبت اموال منقوله و غیر منقوله: الف - مواد یا خلاصه مصدق از احکام وزراء و قبلیات فروش و اجاره نامه و قرار دادها.

ب - شرح اثباتی که تحویل شده و حساباتی که قطع شده و شرح تشخیص مطالب در این مشروح باید کاری که انجام شده و وجهی که بر ذمه دولت است معین گردد.

رئیس - اشکال بیست. ماده سی و چهارم.

ماده ۳۴ - وزیر مالیه باید مراقبت نماید کلیه حوالجات طبق ماده ۳۳ در دیوان محاسبات ثبت و تسجیل

شود و همچنین هر حواله در همان موعد و عملی که از جانب حواله کننده معین شده است کارسازی گردد

رئیس - ماده سی و پنجم

ماده ۳۵ - ادارات پرداخت کننده نمیتوانند وجهی را که بصندوق آنها حواله شده نپردازند مگر وقتی که برخورد آنها محقق شود در اسفاد عیب و نقصی بوده و یا صحت قبوض مشکوک باشد و یا اینکه کاروخدهتی که وجه درازاء آن داده میشود هنوز محقق نشده است و با اینکه از حدود اعتبارات معینه تجاوز نموده و یا مقررات قانونی رعایت نشده باشد

رئیس - ماده سی و شش

ماده ۳۶ - ادارات پرداخت کننده در صورت عدم پرداخت حواله مکلف هستند ملاحظاتی خود را کتباً برای وزیر مالیه بفرستند تا بلافاصله باوزیری که حواله راجع باداره اوست مذاکره شود

رئیس - ماده سی و هفت

ماده ۳۷ - الف) هر مقدار از اعتباری که تا روز آخر سال مالی تعهد نشده باشد بطور قطع از محاسبه بودجه سنه مربوطه برگشت خواهد نمود. ب) هر مقدار از اعتباری که تا روز آخر سنه مالی تعهد شده ولی تا آخر ماه سوم سال بعد نادیده نشده باشد تا آخر همان سال از محل اعتباری که برای مخارج پرداخت شده سنوات ماضی در بودجه هر سال پیش بینی میشود بحساب سال جاری قبل پرداخت است و چنانچه در انقضای آن سال باز هم بماند و جهتی نادیده نشده باشد پرداخت آن منوط به پیش بینی اعتبار مخصوص در بودجه سنوات بعد خواهد بود

تبصره - با رعایت تبصره ماده ۳۲ مقصود از اینکه اعتباری تمدد شده این است که کار و خدمتی انجام و یا اموالی بتصرف دولت درآمده و بدین وسایل دینی برای دولت ایجاد شده باشد

رئیس - ماده سی و هشت

ماده ۳۸ - حوالجاتی که تا آخر ماه سوم سال بعد پرداخت نشده باطل میشود بدون اینکه بمقتضای قانون

دولت خللی برسد یعنی آن حوالجات در سته مالی بعد طبق ماده ۳۷ همین قانون تجدید خواهد شد

رئیس - ماده سی و نهم

ماده ۳۹ - قراردادهای و معاملات دولتی اعم از خرید یا فروش با اجرت کار یا اجاره و یا استیجاز و مقاطعه باید پس از مزایده و یا مناقصه صورت پذیرد وزارت مالیه مجاز است که بوسیله تدوین نظامنامه مخصوص اصول و ترتیبات متحد الشکلی برای این گونه معاملات مقرر دارد - همچنین مجاز است نسبت ببعضی موارد که دلایل موجهی برای ضرورت ترك مناقصه و مزایده موجود باشد و مبلغ معامله از پنجاه هزار ریال تجاوز نکند بدون رعایت اصول مزایده و مناقصه اجرای معامله را اجازه دهد ولی هر گاه موضوع معامله این موارد اخیر از پنجاه هزار ریال منجاوز باشد تا صد هزار ریال بعلوه لزوم موافقت قبلی وزیر مالیه اجرای آن موکول بتصویب هیئت وزرا است

تبصره - اعلان مناقصه و مزایده بطور کلی در محل خرید و فروش بعمل خواهد آمد ولی در صورتی که در محل معامله شیئی مورد حاجت باندازه که متناسب با مناقصه و مزایده باشد موجود نبوده و یا بصرف نداشته باشد باید در محل با محل های مجاور بنا بر اهمیت موضوع اعلان مزایده و مناقصه منتشر گردد و نیز در صورتی که اشیاء مورد حاجت در مراکز مهم و یا در خارج از ایران بهتر و مناسب تر یافت شود اعلان مناقصه در آنجا هم باید منتشر گردد اقدام اخیر در صورتی لازم است که معامله برای مبلغ مهمی در نظر باشد

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده لازم دانستم در این ماده در موضوع را عرض کنم نظر بنده این است که يك راه حلی برای این قضیه پیدا شود. آن این است که از وقتی که قانون محاسبات عمومی از مجلس گذشته کویا در دوره دوم بود که قانون محاسبات عمومی از مجلس گذشت و در وزارت خاتما مخصوصاً در وزارت مالیه مجری است بنده که در عمل بوده ام بالحس مشاهده کرده ام با اینکه این

ماده قانون را آنوقتی که وکلای آن دوره تصویب کردند بهتر از این راه حلی بنظرشان نرسید و این راه حل خوبی بود که دولت هر چه میخواهد بفرزند بزمایده باشد و هر چه که میخواهد بخرد بمناقصه. این حرف خیلی منطقی است. اما بیایید سر عمل. تمام بر ضرر دولت تمام میشود همین ماده را اگر دقت بفرمائید وقتی که بطور کلی اداره ملزومات دروزارت مالیه تشکیل شد و ملزومات سایر ادارات و دوائر از مرکز بولایات فرستاده میشد يك اداره خیلی بزرگی در زمان آمریکائیها تشکیل شد افسوس میخورم که آقای وزیر مالیه نرسند و وقت ندارند باین امور برسند و الا اگر اشخاصی مطمئن را مأمور رسیدگی میکردند و بدقت رسیدگی میشد بنده قول قطعی میدهم که ملاحظه میشد تمام معاملات بر ضرر دولت بوده است يك قرار داد ها و يك ترتیباتی در این مناقصه و مزایدهها اجرا شده مدیران دوائر و ادارات هم تقصیر ندارند بنده نمیخواهم از آنها انتقاد کنم لکن اشخاصیکه میخواهند جنسی بفرشند با وقتیکه میخواهند جنسی بخرند يك ترتیباتی با هم میدهند که همیشه بر ضرر دولت تمام میشود. مثلاً از قضا تصادفاً همین چند روزه يك قضیه پیش آمد که يك طرفش آمده بود پیش بنده و تفصیل حائش را نقل کرد. الان در اصول راه سازی پیش آمده که به مناقصه میگذازند قسمت قسمت اراضی را هم در قسمت راه آهن و هم در قسمت راه چالوس و سایر طرق شوسه که بمناقصه میگذازند اول بيك نفر رئیس کل میدهند. ماکاری ندارم به اینکه او بیاید و يك کتباتی با دولت می بندد اعلان مناقصه میدهد و با يك ترتیباتی مناقصه را میدهد. ولی بعد همین شخص يك شرکائی دارد که يك مبالغی از آنها میگیرد و بآنها واگذار میکند. و این يك شرکائی دارد که با آنها قرار میگذازد که هر چه نفع بردند مثلاً يك نفع را باو بدهند آن شخص صورتی به بنده نشان داد که از يك قطعه ده هزار تومان قایده برده بود و آن رئیس

آمده بود و عشرش را از او مطالبه داشت و می گفت که باید هزار تومانش را بمن بدهی. حالا بنده اینها را بطور مثال عرض کردم. آقای خبر هم چون مدتها در کار بوده اند میدانند که این معاملات تا کنون کاهلابر ضرر دولت بوده و چیزی را که دولت میخورد ملزوماً تیکه برای ادارات دولتی تهیه میکند گران تر است تا چیزی را که شخص عادی از بازار میخورد و او ارزانه تر تمام میکند تا دولت خواستم بآقای وزیر مالیه عرض کنم که حقیقتاً راه حلی برای آن پیدا کنند بنده چون فکر فکری کرده ام راه حلی حالا بنظم نمیرسد. و البته این کار خیلی مهمی است. دولت ما حالا بمحمدالله رو بترقیست عایدات ما هم زیاد میشود و رو بترقیست. و البته نباید این وجه تقریب شود و یولی که از مردم میگیرند باید بصرف صحیح برسد. این يك عرض بنده بود عرض دوم بنده این است (این ارادوی همتر است) به علت اینکه لفظ مزایده و مناقصه و مقاطعه اینها يك الفاظی هستند که طرفین میخواهد بنده که با فلان آدم مقاطعه میکنم البته دو طرف میخواهد تا عمل آن مقاطعه یا مزایده صورت گیرد. و باید دو نفر باشند در يك عمل مزایده یا مناقصه دو نفر باید باشند یا يك شرکائی و مناقصه یا مزایده يك طرفی اصلاً معنی ندارد. حالا بنده که مثلش را عرض میکنم خوب ملتفت میشوید مطبوعه مجلس شورای ملی دولت است یعنی دولت يك بودجه میدهد به مطبوعه و هر چه مطبوعه مجلس عایدات میدهد دولت ضبط میکند و در واقع نقش مال دولت است الان چند سال است که بر حسب امر اعلیحضرت همایونی تمیر و باندول در مطبوعه مجلس طبع میشود و همه آقایان ملاحظه فرموده اند که تمیرهای اخیر که طبع شده چقدر عالی و خوب است و مثل این است که خود دولت مطبوعه دارد بعلم اینکه عایداتش مال خودش است. حالا بنده شنیده ام (تمیدانم واقعیت دارد یا نه) که میخواهند تمیر و باندول را به مناقصه بگذارند. یعنی اگر آدمی پیدا شد و گفت من تمیر را کمتر طبع میکنم در خارجه به مناقصه بگذارند و

یا بدهند در حالی که این مطبوعه مال خود دولت است و باید تمیزش را در اینجا طبع کند دیگر منافعه معنی ندارد. خود دولت که بودجه اش را میدهد عایداتش را هم که میریزد نوی جیبش یعنی مال خودش است. در همچو صورتی دیگر تمیز را بزمایده و منافعه گذاردن این اصلا موضوع ندارد و کار خوبی نیست. و اگر واقعیت دارد البته آقای وزیر مالیه باید جلوش را بگیرند. که تمبر و باندرول دیگر فردی آن دسته بندی هائیکه همه اطلاع داریم که این چه تمبر و باندرول دروزار نمالیه دچار چه دسته بندی هائی شده و چه دو سه هائیش برای آن تشکیل شده و چه اشخاصی دار طلب شدند و تمبرهای هارلم را ارسال وارد کردند. هشت صندوق تمبر را بده خودم دیدم در بین بوشهر و طهران ده دوازده سال قبل از این که اصلا بفاروت رفت. حالا این تمبرها چه حالی پیدا کرد و در دست مردم ماند یا به خارجه رفت نمیدانم پربروز يك نفر به بنده میگفت که در روسیه می گذشتم يك جانی دیدم چند تا کاغذ است و دیدم تمام تمبر های ایران است که در مطبوعه هارلم چاپ شده است. معلوم است که همه این تمبرها بدست دولت رسیده است آنکسی که بخارجه رفته شاید يك مقداری از این تمبرها را همراه برده و در آنجا فروخته است. لذا این مسئله بنظر بنده خیلی مهم است از حیث اعتبار تمبر بعلمت اینکه این تمبری که در مطبوعه خود دولت چاپ شده و در تحت نظارت و نظیش کامل خود دولت خواهد بود. و از طرف وزارت مالیه در این جا مأمور مخصوصی است در مطبوعه امروز تمبر چاپ میشود بيك نظم و ترتیب مخصوصی که بگدانه از آن هم ممکن نیست خارج شود و با داشتن همچو مطبوعه بنده عرض میکنم خدمت شما که این را عقیده ندارم که بزمایده و منافعه بگذارند اصلا موضوع ندارد و حالا خواستم این را در حضور آقای وزیر مالیه تذکراً عرض کنم که از این فضا به جلو گیری بفرمایند.

**وزیر مالیه** - مسئله منافعه و بزمایده يك وقت از نقطه نظر اصل مطالعه میشود يك وقت از نقطه نظر اجراء اگر

مطالب را از نقطه نظر خود اصل نگاه کنیم بنده خیال میکنم که هیچ محل تردید نمی تواند باشد که این بهترین اصل است بعلاوه معلوم نیست که اگر این اصل برداشته شود چه اصلی را می خواهند جزی آن بگذارند. امروز اگر يك عملی شود و شما يك عیبی درش می بینید فکر می کنید که آن اصل را تغییر بدهید ولی فکر این نمیشود که اگر بعد بخواهید عمل کنید چه مفاسد بیشتری از آن بروز میکند اما از نظر اجراء بنده کاملاً با نماینده محترم هم عقیده هستم این ترتیب را ما از جای دیگر گرفته ایم و در خارج هم که این اصل از آن جا گرفته شده است ترتیبش این است که وقتی میخواهند يك چیزی را بمنافعه و بزمایده بگذارند اولاً میدهند بدست يك اشخاصی که مطلع و بصیر هستند و آنها می نشینند و حساب می کنند مثلاً اگر شما میخواهید يك میزی بسازید این را اولاً حساب می کنند آنها که این میز در صورتی که از فلان چوب باشد فلان طور باشد قطرش اینقدر باشد جزئیاتش اینطور باشد چند تمام میشود و تمام جزئیات و ترتیبش را رسیدگی و دقت می کنند. این در چه صورتی است؟ در وقتی است که برای قضیه تمام اطلاعات دیگری که لازم است از بازار ( چون آن اشخاص مطلع هستند ) تهیه می کنند آنوقت بمانند و حسابشان را که کردند می گویند که اینقدر تمام میشود میز بعد اعلان می دهند و می بایستی هر کس که می خواهد این میز را بسازد و یا منافعه را ببرد پیشنهادش از آن قیمت پائین تر باشد آنوقت دیگر برای آقا اشکال پیدا نمی شود اما حالا چه میشود؟ يك منافعه داده می شود و بعد معلوم میشود که بدجوری از آب درآمد هیچوقت نمیشود گفت آقا شما بیایید از برای من دو کیلومتر راه بسازید هر کی ارزان تر میگوید بومیدهم. آخر دو کیلومتر راه چه جور؟ با چه ترتیبی؟ در چه زمینی؟ زمین آن سنگ است یا خاك است؟ زمین آن چقدر ارتفاع دارد؟ چقدر خاك برداری باید بشود؟ اگر بنا باشد تمام این جزئیات را آمدند اول معین کردند بعد هم روی مقدماتی که

در دست است حساب کردند که از برای برداشتن اینقدر خاك چقدر خرج میشود و بعد بگویند حالا كی اودانتر میگرد باو میدهم صحیح تر و منظم تر است و بعد بنده وقتی اینطور شد بهترین نتیجه را خواهید گرفت مثل اینکه الان که میساکس آن کسی که مأمور راه آهن است میخواهد يك منافعه بدهد این کار را می کنند یعنی تمام جزئیات را معین می کنند آنوقت منافعه شروع میشود يك قیمتی را هم معین می کنند و میگویند حالا از این واحد های قیمتی که ما معین کردیم چه کسی کمتر میگیرد؟ و اشخاصی که می خواهند شرکت کنند یکی میگوید ده درصد یکی میگوید پنج درصد یکی کمتر. اما اگر شما صحبت این را می کنید که می خواهید بیست جفت درب بسازیم خیلی سعی میکنیم يك ارتفاعی برایش معین می کنیم و ضمناً می گوئیم که چوبش هم فلان باشد این کافی نیست زیرا آنوقت می بایند درب خراب است و آن قطری را که لازم است ندارد و چقدر این چوب باید خشك بشود و چه مدت این چوب باید ماند باشد که خشك باشد این را که معین نکردید نتیجه چه میشود؟ نتیجه این خواهد شد که شما يك جنس بدی خواهید داشت و الا دیگران آمدند و سایرها عمل کرده اند و نتیجه هم برده اند آنها يك تجربه بیانی دارند که ما باید آن تجربیات را هم نشی را در نظر بگیریم و بایستی با این مقدمات وارد کار شد برای گرفتن نتیجه و همینطور در قسمت مزایده وقتی چیزی را می خواهند بفروشند روی حسابهای این قسمت را در نظر میگیرند که این جنسی که ما داریم واقماً چه قدر قیمت دارد و بعد بزمایده می گذارد که کسی که از این قیمت بیشتر خواست او بیدار و وارد بشود و هر کس بیشتر داد مال او بشود پس اگر ما بیاییم يك قدری صرف وقت کنیم مثل اینکه ما مشغول هستیم و به بینیم که در خارج از مالکی که بیش از ما تجربه دارند چطور آمده اند و عمل کرده اند تا ما این نتیجه خوب رسیده اند و ما هم آن جزئیات را معین می کنیم و آن را عمل می کنیم بنده هیچ طریقی بهتر از این نمی بینم و خیال میکنم این اصل هم

بهترین نتیجه را داده و محل اطمان هم هست و خوب است و نباید هم عوضش کرد حالا در ضمن اداره فرمودید بنده مسئله اینکه فلانکس مقاطعه کاری کرده است و خیلی بیش از آن حدی که معتدل باشد يك منافعی برده است به بنده هم يك همچو اطلاعی رسیده است گفتیم يك تحقیقی بکنند که تا چه اندازه مطالب حقیقت دارد و الان نمی توانم حقیقه اظهار نظری کنم. راجع به مسئله تعمیر که بعد بطور مشرف فرمودید مسئله تعمیر در قسمت میشود يك قسمت راجع این است که يك مؤسسه يك وقتی متعلق دولات است و خریدار هم دولت وقتی که اینطور شد که خریدار یا فروشنده هر دو طرف دولت باشد آیا مزایده یا منافعه لازم است یا خیر؟ این را اگر مراجعه بفرمائید باین پیشنهاد ملاحظه خواهید فرمود که مانوشته ایم خیر و در وقتی که طرفین معامله مؤسسات دولتی باشند بایستی این کار را کرد برای اینهم این کار را کردیم که متعلق دولات است الان فرض بفرمائید که مؤسسه شمشك ذغال می خواهد بفروشد مؤسسه قند سازی با اداره صناعت مثلاً حالا در این جا بیایند و ترتیب مزایده و منافعه را بکار بیاورند؟ این البته فایده ندارد راجع به تعمیر بخصوص هم ممکن است برای اینکه همینطور آقای ارباب هم بمن گفتند چند روز پیش از اینکه يك تحقیقانی کرده است خارجه از مطالعه که شما چه قیمت هائی تهیه می کنید البته این قسمت که میگویند چه قیمت تهیه میکنند این يكه طلب خیلی خیلی صحیح است مؤسسه دولت باشد تمام بولش هم مستقیماً می آید بخزانة دولت بیاورد باز هم باید او تحقیق خودش را بکند و بنده برای اینکه اگر بگوئیم دولتی بگجنس را آمد و گران خواست حساب کند باز باید بالوجه زوجهت اینکه حسابها باید روشن باشد حساب باید جدا باشد امروز بانك ملی اگر با دولت طرف حساب باشد شما خیال می کنید نمی آید چانه بزند در میزان تنزیلی که باید بدهد برای بولاشی که دولت در آنجا دارد؟ یا وقتی که دولت میدهد چانه نمیزند؟ خیر می آیند و می نشینند و صحبت میکنند چانه هم میزنند و البته



حقیقت هم همین است و باید هم بکند - ما از برای محلی که بانک ملی آنجا نقشه است چقدر تصور می فرمایید بنده چانه رده ام برای اجاره اش ولو مبلغ خیلی نازکی هم باشد ولی از برای اینکه معلوم باشد حسابها جدا و روشن باشد باید این کار را کرد مطبوعه مجلس هم همینطور مطبوعه مجلس هم وقتی قیمت میدهد باید نگاه کنیم حساب چانه هم بزنیم و بالاخره سعی در ارزیابی آن بکنیم برای اینکه حساب آن قسمت های دیگری که تهر استعمال میکنند باید معلوم باشد روشن باشد و گران هم نباشد اما موضوع متناقصه نیست بدلیل اینکه این قانون را آورده ایم - حالا ایشان هم گفتند و بنده هم شفیقه ام که اشخاصی هستند که میگویند در خارج ارزانه تمام میشود ولی در هر حال اینها امور جاری و روزانه است که هر روز هم از پیش خود يك کسی حرف میزند با بانک اداره هم مذاکره می کنند و تا وقتی که يك عملی هم نشده است که بشود برش ایراد گرفت بنده خیال میکنم مناسبت ندارد که در مجلس درس صحبت بشود البته خیلی ها پیشنهاداتی میکنند راجع بیک معاملاتی خوب اگر بنا باشد تا يك کسی رفت و در يك اداره مذاکره کرد بنده فوراً اول صرف وقت بکنم که به بینیم کنی آمده است مذاکره کرده است هر روز از این مذاکرات میشود و مسلم است وقتی که میخواهد يك ملاکفی از برای افرادی کار تهیه بکند وقتی که میخواهد حتی الامکان کارهایی که در خارج انجام داده میشود است در داخله انجام دهد تا اینکه هم مردمش کار داشته باشند وهم مخارجی که میشود است در ملکیت بشود وهم زودتر بشود و کاملتر بشود و وقت بیشتری در آن بشود مسلم است آنوقت دیگر انسان نباید فکر يك شاهي و صد دینار را بکند که چون این در خارج ارزانه تمام میشود بدهند به آنجا و تصور هم نمیکند که تا بحال برخلاف این اصل رویهمرفته عمل شده باشد ولی باز هم عرض میکنم که مطبوعه مجلس قدمش بالای چشم و لکن حساب حساب است و کاکا برادر

رأی - آقای ممدل

ممدل - بعضی قوانین هست که در خود آن موضوعی که آن قانون وضع میشود تاثیر دارد و بعضی قوانین در سایر قوانین هم مؤثر است از جمله قانون محاسبات عمومی است قانون محاسبات که عوض شده جزء سایر قوانین اساسی مالبه است که آقای وزیر مالبه از بدو تصدیق شان تمام اینها را زبر و زور کردند و يك شالوده قرار دادند ولی قسمت اعظم مواد این قانون محاسبات عمومی صورت تشریفات دارد و البته با قانون سابق هم فرقی ندارد چند موضوع بخصوص هست که اینها بیشتر از همه اهمیت دارد که یکی از آن موارد موضوع مزایده و مناقصه است انتظار این بود که این موضوع هم را برایش يك راه حل خوبی و يك فرمول بهتری تهیه میفرمودند تا اینکه نه تنها حالا که با اعتماد بایشان و همکاران ایشان اجرا میشود ما بتوانیم مطمئن باشیم بلکه در مواقع دیگر هم همیشه بتواند قانون بقوت خودش خوب بموقع اجرا گذاشته شود مثلاً اگر وضعت قهلی را میخواهیم نگاه کنیم می بینیم در بیان امر اعلان مزایده و مناقصه يك ماده اضافه شده است و آن این است که اداره در رد و قبول پیشنهادات مختار است این جمله اگر اضافه شود دیگر بنده اصل تمام آن اعلان را زائد میدانم برای اینکه اگر کسی حد اقل را برد یا حد اکثر را برد وقتی بنا باشد آن اداره در رد و قبول پیشنهادات آزاد باشد که فریده ندارد - میفرمایند که باید يك کاری کرد که در عمل خوب از آب در بیاید بنده دیدم برای خرید سریش که اعلانات را بدو بار چسباندند يك کمیسیون تشکیل میشود و اعلان مناقصه منتشر میشود بالاخره بجائی هم میرسد ولی يك موضوعی خیلی مهمی با فرمایشه مزایده و مناقصه اجرا میشود و تقریباً میشود گفت مناقصه و مزایده نجات دهنده عامل عمل است از خطاهائی که کرده است اینها همه را اگر ما بتوانیم روی کاغذ بیاوریم و تا آن حد که ممکن است میشود مذاقه کرد و فرمول دیگری تهیه کرد

میفرمایند نمی توانیم چیز دیگری در جای آن قرار بدهیم و نمی توانیم مزایده و مناقصه را از بین ببریم ولی بنده خیال میکنم اگر وضعت وضعتی باشد که تا حالا رویش عمل می کردیم - مسؤلیت افراد بیشتر حمایت میکند از عمل تا مزایده و مناقصه یعنی اگر مزایده و مناقصه نباشد آن وقت هر فردی خیال میکند که فردا ازش سؤال میکنند که چرا نتیجه عمل تو اینطور شده و ضرر رسیده است و این آنوقت ترس دارد و مراقبت میکند در عمل تا حالا که فوراً می آید و بکند و بی نظمی منظم جلوی آدم میکند در اینها در تاریخ فلان اعلان مناقصه منتشر شد در تاریخ فلان هم کمیسیون تشکیل شد و بیادکت رسیدگی کرد در تاریخ فلان هم این نتیجه گرفته شد اینجا حالا شور اول قانون است و کمیسیون با این توجهی که مجلس به موضوع میکند بنده خیال می کنم که در این قسمت اگر وقت بیشتری بفرمایند بهتر است و شخص آقای وزیر مالبه که بنده دیده ام و ایمان دارم باینکه ایشان همیشه راه حل های خوب را زود پیدا میکنند و همیشه بحرف های حساب هم گوش می دهند این موضوع را يك راه بهتری برایش پیدا می کنند ولی بطور کلی بنده عرض می کنم که لرفاق زیاد در این ماده سعی و نه شده است برای اجرای عمل مزایده و مناقصه و باید يك قدری محدود کرد وسائلی را که بدست اشخاص برای این کار داده می شود و دیگر اینکه مرقوم فرموده اند که نظام نامه مخصوصی را که وزارت مالبه تدوین می کند - نظام نامه هائی را که وزارت خانه ها تدوین میکنند برای اینکه میخواهند بحرف نمابند همی خودشان در ادارات گوش بدهند زودتر و تغییر پیدا می کنند بکوقت شده است که روی يك نظام نامه بقدری و باندازه ماده الحاقیه و اصلاحیه و متحد المال آمده که اصل را از میان برده است اگر در این مواقع مجلس شورای ملی و شعب آن که عبارت از کمیسیونها باشند

مداخله داشته باشند مشکلات است تغییر پیدا کند گرچه حالا که مجلس همیشه آماده است برای کار خیلی سهل هم هست برای مراجعه کردن وزارت خاها ولی با این حال آوردن يك موادی و شور کردن با چند نفر بهتر است تا اینکه فقط وقتی رئیس عایدات دید این جا بکفتری اشکال دارد بردارد بنویسد آقا ماده ۶۳ نظامنامه فلان را از این تاریخ این جور بموقع اجرا بگذارید اینگونه تشکیلات را که داده اند برای این است که خیلی قلم و دوات مداخله در تغییر مواد و اصول نداشته باشد لهذا بنده خیال میکنم که در این موضوع بیشتر دقت بشود تا بهتر از این قانون از آب در بیاید

**وزیر مالبه** - از کار ناقص انسان وقتی خواهد عیب جوانی بکند خیلی سهل است و قتیکه يك کاری که در دانش یا در طرز جریان او يك عیب های اساسی بود آقای نماینده محترم که خیلی فصیحند بجای خود ولیکن هر کبیکه کوچکترین فصاحتی هم درش نباشد با کمال خوبی میتواند انتقاد کند يك نکته را گرفته مثالهای مختلف پیدا بکند و عیب آن را تشریح بکنند بنده گفتم تصور هم میکردم که محتاج بتکرار نخواهم بود که البته اصل مناقصه و مزایده طرز خوبی است بهتر از این هم نمیشود ولیکن اجرای این بد شده است و البته نمیشود بگوئیم که بنده با يك فکری شخصاً یا اینکه يك مأموری را که طرف اعتماد باشد بگذاریم و بعد بگوئیم در عمل درست خواهد شد خیر این نمیشود خیال کردیم که باید بکفقراتی را که برای اینکار در همه جا هست باید آن مقررات را گرفت اگر جرح و تعدیل لازم دیده شد داده شود و بعد آنها بیاید روی کاغذ دستور اینکار بشود تا اینکه مطابق آن عمل کنند و مزایده و مناقصه جریان پیدا کند و این عیبی که پیدا میشود (و بنده هم که نمیخواهم مدافعه کنم بجهت اینکه هست این معایب هست) رفع شود حالا آقا آمدید يك عیبی اتفاقاً درش ذکر کردید که هیچ عیبش نیست بهیچ وجه و آن ماده آخر است که در رد و قبول آزاد است باید اینطور بشود

که بگوید آقا هر کس میتواند پیشنهاد بدهد ولی من در رد و قبول آزادم خوب آقا شما امروز يك جنسی را میخواهید بخرید چه کار میکنید فرض کنیم يك آدم خیل دقیقی هستید و میخواهید پولتان را دور بریزید تشریف میبرید مغازه‌هایی که جنس را میفروشند سؤال میکنید چند میدهند میگوید مثلاً پنج تومان شما ممکن است تصور کنید که باید چانه زد برای اینکه عادت شده ممکن است بگویند زیاد است او بگوید چهار تومان چهار تومان و نیم تشریف میبرید يك جنسی دیگر از کس دیگر هم میبرید بعد بيك دکان زائر رجوع میکنید و بدهم میگویند رجوع کنیم بيك شخص را می بینیم که او به خریدنها بدهد حالا که از اینجا میخواهید رد شوید يك مرتبه این چهار نفر شما را بچسبند بگویند نمیشود محال است آقا رد بشوید برای چه باید به بینیم بین ما کدام یکی از اینها بدهد ما بخریم شما چه خواهید گفت به آنها نخواهید گفت آقا دیوانه شده‌اید من از شما پرسیدم که شما اشتباه چه چیز است و بعد هم صحبت خودم را نگاه میکنم خوب چطور این اصلی که شما و هر آدم عاقلی برای خودش عمل میکند و فتنه پای دولت پدرش میآید باید يك مرتبه ازین برد و گفت نه آقا هر کس آمد و پیشنهاد کتبی داد شما حتماً باید قبول کنید اینکه اتفاقاً در مصلحت است و آنجائی است که دقت میشود و همان دقتی است که میخواهید پس چرا آمدید و جای صحیح را گرفتید حتماً میبایست قسمتی که در بیانات ایشان حکمت و خیلی مورد دقت بود مسئله اینکه نظامنامه هائیکه نوشته شده است در وزارت مالیه معین خواهند کرد این نباید بتصویب کمیسیون برسد چون لابد بتصویب مجلس که موضوع ندارد و بتصویب کمیسیون برسد شاید هم اسولش صحیح باشد همینطور که آقا میفرمایند در نظامنامه هی مزایده و مناقصه دو قسمت است يك قسمت چیزهایی است که جزئی است قسمت جزئی را البته چندان اهمیت نباید داد و باید هم گذاشت و همان

مدیر اداره هم وقتی دید اشتباهی شده پیشنهاد میکند و زود هم تغییر میدهند یعنی نباید این اندازه هم صرف وقت بکنند که بیایند به آقایان کمیسیون زحمت بدهند وزیر باینکنفر دیگر از طرف او بیاید و زحمت بکشد و صرف وقت بکند چون آقا وقت ها باید بيك کارهائی هم خورده شود ولی بعضی قسمتهايش هست که اساسی است و بنده هیچ عیبی نمی بینم که واقعاً در آن قسمتهائی که اساسی است یا کمیسیون مشورت شود و دقت شود برای اینکه واقعاً اگر يك روزی هم همینطور که میگویند يك رئیس اداره دید این ترتیب اسباب زحمت است سهولت نشود این را عوض کرد چون طبیعتاً يك امری را که در خود اداره باید تغییر بدهند باید يك امری که باید در اطراف او مباحثه کرد يك تفاوتهايش دارد و بيك قدری بطبیق تر بشود تیات در مسائل هتر میشود این معنی ندارد در کمیسیون قوانین مالیه مطالعه میکنیم و شاید هم يك فرمولی پیدا کنیم که این قسمت از نظر جنبه عملی تأمین شود

**رئیس -** پیشنهادی از آقای معدل در ماده ۳۹ رسیده قرائت میشود.

**پیشنهاد آقای معدل**

مقام محترم ریاست دامت شوکتہ

اصلاح ماده ۳۹ را بشرح ذیل پیشنهاد مینمایم بعد از عبارت بوسیله تدوین نظامنامه مخصوص جمله ( که قبلاً بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس رسیده باشد) اضافه شود

**رئیس -** ماده ۳۹ چهلم قرائت میشود:

ماده ۴۰ - در موارد ذیل معاملات دولتی ممکن است بدون ترتیب مزایده یا مناقصه صورت بگیرد.

۱ - معاملاتی که بملاحظه صرفه و صلاح دولت باید مستور بماند.

۲ - نسبت بخرید اشیائی که منحصر بفرد باشد.

۳ - در مورد صنایع مستظرفه و امثال آن که انجام

پذیر نخواهد بود مگر بدست صنعتگران مخصوص

۴ - برای اقداماتی که بعنوان امتحان از طرف دولت بعمل میآید

۵ - در صورتیکه طرفین معامله مؤسسه دولتی باشد

۶ - اشیائیکه جزء ضروریات بومیه محسوب و در محل خرید قیمت ثابتی داشته باشند از قبیل نفت و غیره نوع اینگونه اشیاء را وزارت مالیه بموجب نظامنامه مخصوص تعیین خواهد نمود.

**رئیس -** پیشنهادی از آقای معدل در ماده ۴۰ رسیده است

**پیشنهاد آقای معدل**

اصلاح ماده ۴۰ را بشرح ذیل پیشنهاد مینمایم بعد از عبارت ( در موارد ذیل معاملات دولتی ) جمله ( با تصویب هیئت وزراء ) اضافه شود

**رئیس -** ماده چهارم و یکم :

ماده ۴۱ - هرگاه معاملاتی که بمناقصه و مزایده گذاشته شده در مدت مقرر داوطلب پیدا نکند و یا داوطلبان شرابطن پیشنهاد کنند که خارج از حدود اعتدال باشد در آسورت دولت میتواند معامله را مطابق مقتضیات صرفه و صلاح دولت انجام دهد

**رئیس -** آقای دیبا :

**طباطبائی دیبا -** راجع بمزایده و مناقصه از ماده ۳۹ تا اینجاده چون موادی نوشته شده است حقیقتاً میتوان گفت که در مقام عمل استثنا اکثر خواهد شد یعنی غالب معاملات بدون مزایده و مناقصه انجام خواهد گرفت سابقاً در چند روز قبل راجع بخاصیجات دولتی که بدولت اجازه داده شد بفروش برسانند آنجا تصریح شد یا مزایده شده عقیده‌ام این است که این مواد اگر بنا باشد چنانچه ظاهر ماده ۳۹ همین است معاملات دولتی اعم از خرید یا فروش شامل خاصیجاتی هم باشد که دولت میخواهد بفروشد یا این استثنائاتی که اینجا هست بالاخره بصرفه دولت تمام نشده و غالباً ممکن است مزایده و مناقصه در بيك مواردی نباشد اگر شامل این است که خوب نیست و خوب

است آقای وزیر مالیه بکفکری فرمایند که بعد اسباب زحمت بشود.

**وزیر مالیه -** خیلی فکر مشکلی است اصلاح موضوعی را که آقا فرمودید در مسئله خالصجات و ترتیب مزایده که گذاشته شده است بهیچوجه درش صدمه نمی خورد و بنده نمیدانم از کجای این ماده این معنی بیرون می آید ( طباطبائی دیبا - ماده ۳۹ ) اولاً در ماده ۴۱ داریم صحبت می کنیم و اگر فرمایشی داشتید چرا در ماده ۳۹ فرمودید ( خنده نمایندگان ) معذک حلالاً عرض میکنم اینجا میگوید ( فرار دادها و معاملات دولتی اعم از خرید یا فروش ) این نیست آقا ( طباطبائی دیبا - بلی ) با اجرت کار یا اجاره و یا اسنچار و مقاطعه باید پس از مزایده و یا مناقصه صورت پذیرد ( دیبا - بعد استثنا میکند ) بعد می آید استثنا میکند کجاست استثناء اینجا که میگوید معاملاتی که ملاحظه صرفه و صلاح دولت باید مستور بماند آیا خلاصه از این قبیل معاملات است ؟ ( طباطبائی دیبا - تدوین نظامنامه را بخوانید ) کجا را میفرمائید ( دیبا - همان ماده ۳۹ ) میگوید وزارت مالیه مجاز است چکار بکند بوسیله تدوین نظامنامه مخصوص اصول و ترتیبات متحد الشکلی برای اینگونه معاملات مقرر دارد یعنی معاملاتی که گفتیم باید با مزایده و مناقصه شود میگوید برای این نظامنامه هائی معین کند که همه مزایده و مناقصه ها بيك ترتیب باشد اینجا استثناء نکرده و همچنین مجاز است نسبت به بعضی موارد که دلایل وجهی برای ضرورت ترك مناقصه و مزایده موجود باشد و مبلغ معامله از پنجاه هزار ریال تجاوز نکند بدون رعایت اصول مزایده و مناقصه اجرای معامله را اجازه دهد ولی هرگاه موضوع معامله این موارد اخیر از پنجاه هزار ریال متجاوز باشد تا صد هزار ریال بعلاوه لزوم موافقت قبل وزیر مالیه اجرای آن موکول بتصویب هیئت وزراء است یعنی عملی است که الان هم مطابق قانون متمدن بودجه میشود و نچاز هم باید بشود یعنی همانطور که الان

آقای معدل میگفتند که بکفداری سریش میخواهند نمیشود با اصول مزایده و مناقصه عمل کرد بنابراین مواردی پیش میآید که واقعا با فوریت دارد یا اصل موضوع اهمیت ندارد مزایده نمیکند این چه ربطی بآن موضوع دارد.

رئیس - ماده چهل و دوم :

تهیه محاسبات کل مالیه و توزیع بودجه محاسبات وزارتخانهها

ماده ۴۲ - پس از اتمام هر دوره عمل وزراء حساب سنه مالی گذشته وزارتخانه خورد را منتهی تا آخر ماه پنجم سال بعد بیک نقطه و از روی يك فاعده مطابق تقسیمات فصول و مواد بودجه بترتیب ذیل تهیه و تنظیم نموده و بوسیله وزارت مالیه طبق ماده ۱۴ قانون مورخه ۲۴ دی ۱۳۱۲ بدیوان محاسبات تسلیم می نمایند.

رئیس - آقای سرآت پیشنهادی کرده اند که باین ماده و مواد بعد میخورد.

پیشنهاد آقای میرزا موسی خان سرآت

بنده پیشنهاد میکنم که از ماده ۴۲ تا ماده ۵۱ از جزو قانون حذف و برای طرز جریان عمل جزو نظامنامه منظور دارند.

رئیس - ماده چهل و سوم قرائت میشود :

حساب مخارج

ماده ۴۳ - حساب مخارج سنه مالی شامل کلیه عملیاتی خواهد بود که در يك دوره عمل انجام شده و باید حاوی اطلاعات مفصلا ذیل بوده باشد.

الف - اعتبارات مصوبه

۱ - اعتبارات بودجه

۲ - اعتبارات فوق العاده اضافی

ب - حقوق ثابت دائین دولت که تمهید و یا حواله شده است.

۱ - مخارج حقیقی که بموجب حواله تا آخر دوره عمل تأدیبه شده است.

۲ - بقیه مخارج که بموجب ماده ۳۵ از محل اعتبار معوقه درسنه بعد پرداخته میشود.

ج - صرفه جوئی قطعی سنه مالی

تبصره - وزارت مالیه علاوه بر صورت مخارج وزارت مالیه باید صورت مخارج قطعی با اعتبارات عمومی ملکیتی را که در بودجه وزارتخانهها منظور نیست بشرح فوق تهیه و تنظیم نماید.

رئیس - ماده چهل و چهارم قرائت میشود.

حساب عایدات

ماده ۴۴ - وزارت مالیه علاوه بر صورت مخارج که بدستور مواد ۴۲ و ۴۳ تنظیم مینماید صورت کلی عایدات ملکیتی را که اطلاعات مفصلا ذیل را حاوی باشد باید در آخر ماه ششم سال بعد تهیه نموده برای دیوان محاسبات بفرستد.

الف - عایدات پیش بینی شده در بودجه ملکیتی یا تفکیک منابع

ب - وجوهی که از بابت هر يك از منابع تا آخر دوره عمل وصول شده است

ج - تفاوت اعم از اضافه و نقصان

رئیس - پیشنهادی آقای معدل در ماده ۴۴ کرده اند پیشنهاد آقای معدل

اصلاح ماده ۴۴ را بشرح ذیل پیشنهاد مینمایم در آخر قسمت ج اضافه شود (وجهات و دلایل آن) رئیس - ماده چهل و پنجم :

محاسبات کل مالیه

ماده ۴۵ - وزارت مالیه در آخر هر دوره عمل مکلف است صورت محاسبه کل مالیه را تهیه نموده و منتهی تا آخر ماه هفتم سال بعد بدیوان محاسبات بدهد صورت مزبور باید شامل تمام عایدات رایجه بوصول و مصرف وجوه دولتی و حاکی از کیفیت امور عایدات و مخارج دوره عمل سنه مالی بوده و بترتیب ذیل تهیه و تنظیم گردد

۱ - موجودی اول سال تمام صندوقهای عمومی ملکیت  
۲ - عایدات وصولی در دوره عمل تفکیک فصول بودجه و ادارات دریافت کنند.

۳ - صورت مخارج پرداختی در دوره عمل تفکیک فصول بودجه و ادارات پرداخته

۴ - موجودی آخر سال تمام صندوق های عمومی ملکیت.

رئیس - ماده چهل و هشتم

تفریح بودجه

ماده ۴۶ - تفریح بودجه بوسیله تصویب لایحه قانونی که وزیر مالیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند بعمل می آید.

رئیس - ماده چهل و نهم :

ماده ۴۷ - موقع پیشنهاد کردن لایحه قانون تفریح بودجه از روز ختم سنه مالی منتهی تا دوازده ماه بعد خواهد بود.

رئیس - ماده چهل و هشتم

ماده ۴۸ - لایحه مزبور باید حاوی گزارش امور مالی دوره عمل گذشته و متضمن صورت ارقام قطعی تمام اعتبارات و عایدات وصولی و مخارج سنه مالی قبل بوده و نتیجه قطعی معاملات کل بودجه مصوب را بطور روشن نشان دهد

رئیس - آقای معدل

معدل - بنده در این ماده خیال میکنم اگر ذکر بشود که وزارت مالیه در آن لایحه تفریح بودجه که بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند دلایل و جهات عدم وصول بقایا هم بطور کامل ذکر شود خوبست برای اینکه بقایا اصولا وقتی باقی مینماند فراموش میشود در اینجا مجبور باشد وزارت مالیه که آن جهات و دلایل که موجب شده بقایا وصول نشده کاملا ذکر شود تا اولاً ذهن قانون گذار متوجه بنواقص کار بشود چون ممکن است که عدم وصول بقایا يك قسمت متوجه قوانین است و بکفایت هم اگر متوجه قوای مجریه است آنها را متذکر کنند که این نواقص را بعد از این رفع کنند در این باب پیشنهاد بهم داده ام.

رئیس - پیشنهاد ایشان قرائت میشود :  
اصلاح ماده ۴۸ را بشرح ذیل پیشنهاد مینمایم در آخر ماده جمله ذیل اضافه شود  
وجهات عدم وصول بقایای ملکیتی ذکر شود  
رئیس - ماده چهل و نهم :

ماده ۴۹ - صورت حسابهای ضمیمه لایحه تفریح بودجه باید بارعایت تقسیمات و فصول مواد بودجه عایدات و مخارج تنظیم و بمجلس شورای ملی پیشنهاد گردد.  
رئیس - ماده پنجاهم :

ماده ۵۰ - صورتی که در تحت عنوان عایدات و مخارج بلا لایحه قانونی تفریح بودجه منضم خواهد شد باید اطلاعات ذیل را حاکی باشد.

الف - صورت حساب بودجه عایدات

۱ - عواید پیش بینی شده سنه مالی گذشته

۲ - وجوهی که در دوره عمل گذشته وصول شده است.

۳ - اضافه یا کسر.

ب - صورت حساب بودجه مخارج

۱ - اعتبارات مصوبه

۲ - مخارج تأدیبه شده تا آخر دوره عمل تفکیک فصول بودجه

۳ - مخارجی که بدوره عمل بعد منتقل و تأدیبه میشود تفکیک فصول بودجه

۴ - جمع مخارج تفکیک فصول بودجه

۵ - صرفه جوئی قطعی سنه مالی تفکیک فصول بودجه  
رئیس - ماده پنجاه و یکم :

ماده ۵۱ - علاوه بر صورت محاسبه بودجه عایدات و مخارج که بشرح ماده فوق باید تهیه و ضمیمه لایحه تفریح بودجه گردد مدارک و مستندات مفصلا ذیل را نیز باید بانضمام آن بمجلس شورای ملی تقدیم نمود

۱ - صورت حساب وزارتخانه ها

۲ - صورت محاسبات کل ملکیتی

ترتیب خواهد بود (و این قانون از اول فروردین ۱۳۱۳  
اجرا و از همان تاریخ قانون محاسبات عمومی مصوب ۲۱  
مهر ۱۳۲۹ نسخ میشود)  
رئیس - در شور دوم این اصلاح میشود. آذربایک  
با ورود در شور دوم این قانون موافقت دارند قیام فرمایند  
(اکثر نمایندگان برخاستند) تصویب شد.  
[ ۵ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]  
رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم  
(صحیح است) جلسه آینده یکشنبه بیست و دوم بهمن  
سه ساعت قبل از ظهر دستور لوائح عدلیه  
(مجلس مقارن قاهر ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی .. دادگر

۳- راپورت سالیانه دیوان محاسبات  
رئیس - ماده پنجاه و دوم .  
ماده ۵۲- کلیه مقررات این قانون راجع بوزارتخانه ها  
شامل ادارات مستقله نیز خواهد بود  
رئیس - ماده پنجاه و سوم قرائت میشود :  
ماده ۵۳ - قانون محاسبات عمومی مصوب ۲۱ مهر  
۱۳۲۹ نسخ و این قانون به موقع اجرا گذارده میشود  
وزیر مالیه - اجازه میفرمائید. تصور میکنم این  
ماده را باین طرز بنویسیم بهتر خواهد بود که بالاخره  
تاریخ اجرا معلوم باشد که از اول فروردین ۱۳۱۳ این  
قانون به موقع اجرا گذاشته میشود بالاخره ماده باین